

| |
|-----------------|
| علم منطق |
| |

بخشی از تدریس منطق

استاد شهید مرتضی مطهری در دانشگاه تهران

قیاس مغالطه و انواع آن

آنچه در ادامه می خوانیید بخش هایی از تدریس درس فلسفه و منطق استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در دانشگاه تهران است که گذری کوتاه بر جایگاه مغالطه در علم منطق کرده‌اند و دست‌ه کلی مغالطات را برشمرده‌اند. متن پیش‌رو تلخیص فرمایشات استاد شهید است که در جلد ۵ مجموعه آثار از صفحه ۲۸۶ تا ۱۲۳ آمده است.

قیاس، مجموعه‌ای فراهم آمده از چند قضیه است که به‌صورت یک واحد در آمده و به‌نحوی است که لازمه قبول آنها قبول یک قضیه دیگر است؛ مثلاً در قیاس «سقراط انسان است؛ هر انسانی فانی است؛ پس سقراط فانی است» ۲ قضیه صغری و کبری و «ماده قیاسی» را تشکیل می‌دهند. انسان‌ها که قیاس می‌کنند و استدلال قیاسی می‌آورند هدف‌های مختلفی دارند.



قیاس برهان

هدف گاهی یقین است؛ یعنی منظور قیاس‌کننده این است که واقعاً مجهولی را برای خود یا برای مخاطب خود تبدیل به معلوم و حقیقتی را کشف کند. در فلسفه و علوم معمولاً چنین هدفی منظور است.البته در این‌وقت حتماً باید از موادی استفاده شود که یقین‌آور و غیرقابل تردید باشد. قیاسی‌که بتواند حقیقتی را کشف کند «برهان» نامیده‌می‌شود.

قیاس جدل

گاهی هدف قیاس‌کننده مغلوب کردن و به تسلیم وادار کردن طرف است. در این صورت ضرورتی ندارد که امور یقینی استفاده شود و می‌توان از اموری استفاده کرد که خود طرف قبول دارد و لو یک امر یقینی نباشد. این نوع قیاس را «جدل» می‌خوانند؛ مانند اینکه شخصی اقوال یک حکیم یا فقیه را قبول دارد، به استناد قول این حکیم یا فقیه که مورد قبول آن شخص است او را محکوم می‌کند.
نمیدر صورتی که خود مأمکن قول آن حکیم یا فقیه یا مطالب مورداعتراض او را قبول نداشته باشیم.

قیاس خطابه

و گاهی هدف، اقناع ذهن مخاطب است برای اینکه به کاری وادار شود یا از کاری باز داشته‌شود. در این صورت قیاس است که از امور مطمئن و غیرقطعی دلیل آورده‌شود؛ مثل اینکه می‌خواهیم شخصی را از کار زشت باز داریم، مضرات احتمالی و مطمئن آنها را بیان می‌دهد.
نمیدر قیاسی «خطابه» نامیده می‌شود. در خطابه باید از موادی استفاده شود که حداقل ایجاد ظن و گمان در طرف بکند؛ مانند اینکه می‌گوییم: «دروغگو رسوای خلق است»، «آدم ترسو محروم و ناموفق است».

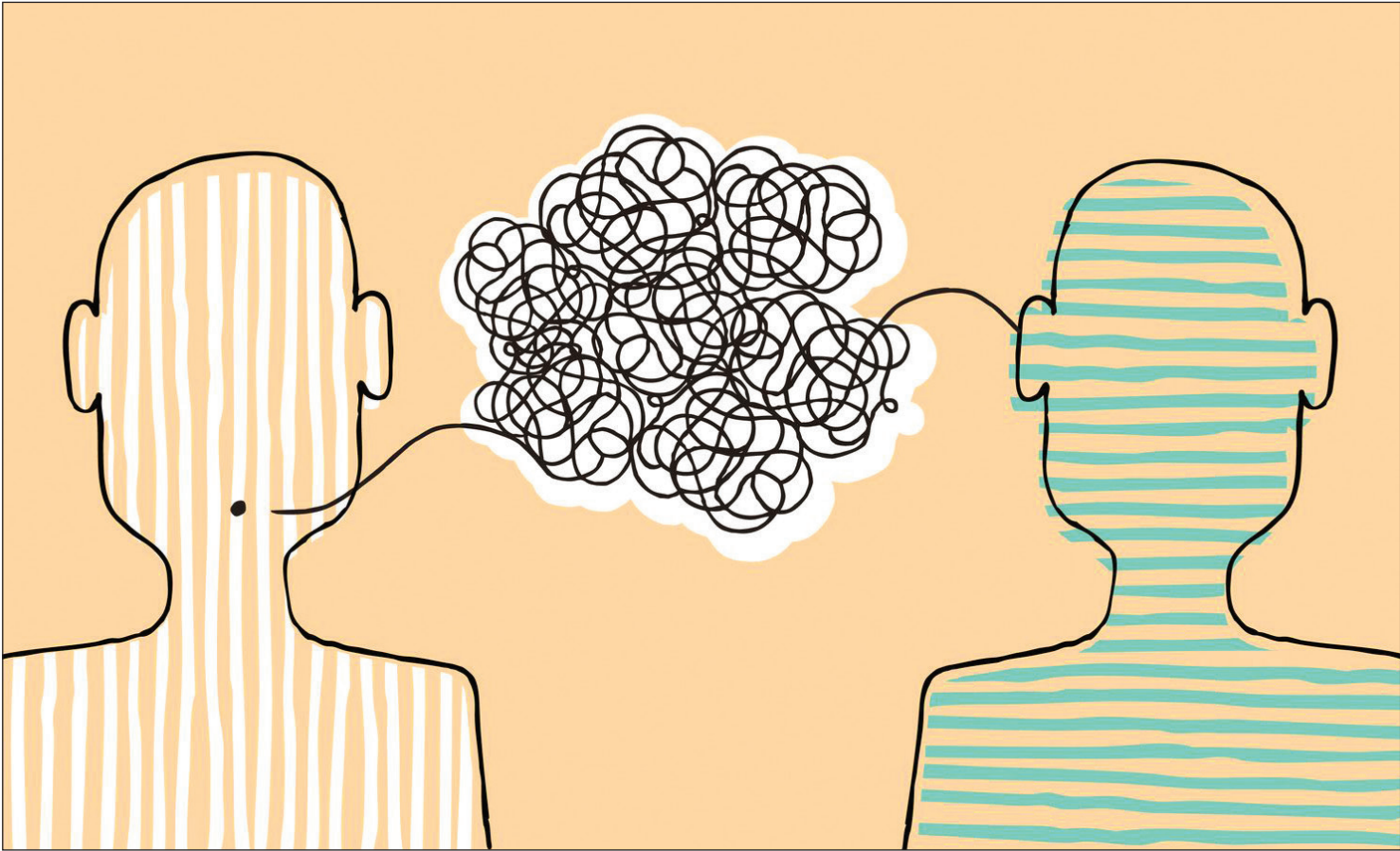
قیاس شعر

گاهی هدف استدلال‌کننده صرفاً این است که چهره مطلوب رادر آنچه این مخاطب، زیبا با زشت کند. در این صورت با پوشاندن جاهله‌های زیبا یا زشت خیالی به مطلوب، استدلال خویش را زینت می‌دهد. این قیاس «شعر» نامیده می‌شود. تشبیهات، استعارات، مجازها همه از این قبیل است. شعر مستقیماً با خیال سر و کار دارد و چون میان تصورات و احساسات رابطه است، یعنی هر تصویر به‌دنبال خود احساس را بیدار می‌کند، شعر از این راه احساسات را در اختیار می‌گیرد و احیاناً انسان را به کارهای شگفت وامی‌دارد یا از آنها بازمی‌دارد.

قیاس مغالطه و انواع آن

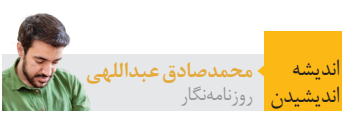
و گاهی هدف صرفاً اشتیاب‌کاری و گمراه کردن مخاطب است. در این صورت یک امر غیر یقینی را به‌جای یقینی یا یک امر غیرمقبول را به‌جای مقبول و یا یک امر غیرظنی را به‌جای یک امر ظنی به‌کار می‌برد و اشتباه‌کاری می‌نماید. این قیاس «مغالطه» یا «سفسطه» نامیده می‌شود و به‌طور کلی بر اقسام است:
با لفظی است یا معنوی. «مغالطه لفظی» آن است که منشأ مغالطه لفظ باشد؛ مانند اینکه لفظ مشترکی را که دارای ۲ معنی مختلف است را «حدوسط» قیاس قرار دهند؛ در صغرای قیاس یک معنی را در نظر بگیرند و در کبری قیاس معنی دیگر را و قهر آنچه مکرر شده فقط لفظ است نه معنی و نتیجه‌ای که گرفته می‌شود قهر اغلط است؛ مثالی داریم که لفظ «شیر» در فارسی مشترک است میان مایع سفید و آشامیدنی که از پستان حیوانات دوشیده می‌شود و میان حیوانات درنده معروف جنگلی. حال اگر کسی بگوید: «این‌هی که در پستان حیوان‌ها وجود دارد شیر است و شیر، درنده و خونخوار است؛ پس ما این‌هی که در پستان‌ها موجود است درنده و خونخوار است» مغالطه است. یا اینکه از باب مجاز و استعاره «آدرابه» یک انسان قوی گفته می‌شود قلاتی قیل است. حال اگر کسی قیاسی به این صورت تشکیل دهد: «زید قیل است؛ هر قیلی عاج دارد؛ پس زید عاج دارد.» این هم مغالطه است. «مغالطه معنوی» آن است که به لفظ مربوط نیست، بلکه به معنی مربوط است؛ مثل آنچه قبلاً در نفی ارزش قیاس از قول دکارت و نقل کردیم که گفتند: «در هر قیاس اگر مقدمات معلوم است نتیجه خودبه‌خود معلوم است و نیازی به قیاس نیست». «مغالطه مغنوی» آن است نمی‌تواند آنها را معلوم کند، پس به هر حال قیاس بی‌فایده است. مغالطه اینجاست که می‌گوید: «اگر مقدمات معلوم باشد نتیجه خواناخواه معلوم است». در صورتی که معلوم بودن مقدمات موجب معلوم شدن قهری نتیجه نیست. معلوم بودن مقدمات به‌علاوه اقتران آن معلومات با یکدیگر، سبب معلوم شدن نتیجه می‌شود، آن‌هم نه هر اقترائی بلکه اقتران به شکل خاص که منطق عهده‌دار بیان آن است. پس این مغالطه از اینجا پیدا شد که یک مطلب نادرست یا ماسک یک مطلب درست در قیاس بالا جای گرفته است. شناختن انواع مغالطه‌ها و تطبیق آنها به موارد که از چه نوع مغالطه‌ی بیشتر از قیاس صحیح در کلمات متفلسفان وجود دارد. از این رو شناختن انواع مغالطه‌ها و تطبیق آنها به موارد که از چه نوع مغالطه‌ای است ضروری و لازم است.

اندیشه



چگونه در دام استدلال‌های غلط نیفتیم؟

نگاهی اجمالی به مفهوم مغالطه و معرفی چند مغالطه پر کاربرد در استدلال‌های روزمره



مغالطات را اگر از میان تعریف‌های مختلفی که ارائه شده است، بیاوراه رقتن در استدلال معنا کنیم، روزانه با شمار بسیاری از آنها مواجه هستیم و چه بسا خودمان نیز بارها و بارها ناخودآگاه از آن در مواجهه با سایرین بهره‌برده‌ایم یا از دیگران یذ برفته‌ایم. اگر با انواع مغالطات آشنا باشیم، آنگاه متوجه می‌شویم که بسیاری از خطاها و گناهان شخصی روزانه‌مان نیز حاصل همین مغالطات هستند. در آنچه پیش‌رو دارید، چند مغالطه مهم معرفی شده‌است تا شما متوجه‌تر و مطلع‌ه بیشتر شوید.

مغالطه را شاید بتوان در یک تعریف تک‌جمله‌ای «به غلط انداختن مخاطب با استدلال ناصحیح» تعریف کرد که عمدتاً به‌صورت ناخودآگاه صورت می‌گیرد؛ هر چند که آگاهانه بسودن یا نبودن آن تفاوتی در اصل مسئله ایجاد نمی‌کند. البته باید توجه داشت که مشکلات اندیشیدن تنها به‌صورت استدلال‌های ما ختم نمی‌شود بلکه ریشه‌های بسیار دیگری وجود دارد که انسان‌ها را در اندیشیدن به دام می‌اندازد و ذهن را از طی مسیر صحیح منحرف می‌کند. مشکلاتی از قبیل: عدم رعایت وضوح در اندیشه، عدم‌طی کردن مراحل استدلال برای وصول به نتیجه، گم کردن هدف در مسیر اندیشه، تمرکز و توقف در موضوع‌های پیش‌یا افتشاده، مفروض گرفتن انگاشته‌های ناموجه، به‌کار بردن واژه‌ها و…

آموختن انواع مغالطات به‌ساکتمک می‌کند تا نه‌تنها خودمان از خطا در استدلال و اندیشه در امان باشیم بلکه در مواجهه با دیگران نیز آگاهانه ظاهر شویم. هر چند که عمده اندیشمندان در علم منطق کار کرده‌اند اعتراف دارند که نمی‌توان انواع مغالطات را در فهرستی واحد ارائه کرد و می‌توان دسته‌بندی‌های مختلفی را برای برشمردن مغالطات به‌کار برد اما در هر حال می‌توان شماری از مهم‌ترین مغالطات را آموخت و با تمرین آنها را در وجود خودمان نهادینه‌سازیم.
در ادامه برخی از مهم‌ترین مغالطات استدلالی را براساس کتاب «مغالطات» دکتر علی اصغر خندان، که معرفی آن را در همین صفحه مشاهده می‌کنید، مرور کرده‌ایم:

مغالطه یا این یا آن

«عدد یا زوج است یا فرد؛ این عدد زوج نیست؛ پس فرد است.» این قیاس را قیاس استثنایی منفصل می‌نامند. از انواع استنتاج‌های معتبر است. البته به یک شرط و آن اینکه وقتی می‌گوییم این عدد یا زوج است یا فرد، حالت نسومی فرض نشود که عددی نه زوج باشد و نه فرد یا عددی هم زوج باشد و هم فرد. مغالطه «یا این یا آن» که در برخی از کتاب‌ها مغالطه «سیاه و سفید» خوانده می‌شود، در ظاهر مانند قیاس استثنایی منفصل است اما شرط این قیاس را رعایت نکرده است؛ یعنی در این مغالطه دو راه در برابر ما قرار می‌گیرد، در حالی که راه دیگر و انتخاب نسومی هم وجود دارد.

برای مثال به این جمله که در ادبیات روزمره هم مصطلح است توجه کنید: «مرد دنیا دوسته‌اند؛ یا درس خوان و فهمیده‌اند یا بی‌سواد و احمق. اگر نمی‌خواهی بی‌سواد و احمق باقی بمانی باید درس بخوانی.» این جمله مغالطه است چرا که افراد بسیاری هستند که در عین بی‌سواد بودن انسان‌هایی بسیار فهمیده‌اند.

مغالطه میانه‌روی

در مغالطه میانه‌روی پیشنهاد می‌شود که بین دو نظر مخالف همیشه نظر میانه و بینابین به‌عنوان نظر صحیح انتخاب شود، بدون اینکه هیچ ملاک و معیار دیگری در این انتخاب لحاظ شود. بنابراین، در این مغالطه، میانه‌روی نشانه صحت و اعتبار یک سخن است. به‌عنوان نمونه به مثال ذیل دقت فرمایید:
«انجمن‌های کارگری در این جریان ۲۰۰ درصد درآمدها را درخواست کرده‌اند، اما وزیر تخانه تنها با ۱۰ درصد موافق است، اما آیا بهتر نیست که برای پایان دادن به این غائله و جلوگیری از اختلاف بیشتر، همه گروه‌ها به ۱۵ درصد رضایت دهند؟»
در مغالطه میانه‌رو ی در واقع از این احساس ظفری که هر چیزی در حال اعتدال از صحت و میانه‌روی بر خوردار است، سوءاستفاده شده است. در حالی‌که شاید بتوان اعتدال و میانه‌روی –به‌معنای برهیز از افراط و تفریط – را معیار و ملاکی در کنترل احساسات و عواطف و افعال انسانی به‌حساب آورد اما میانه‌روی و پیروی از حد میانه و معتدل به هیچ‌وجه معیار و ملاک دقیق و منطقی برای به‌کار بستن در هر نوع استدلالی نیست. برای مثال اگر مسئولی بگوید: «من سعی کرده‌ام در دوره‌ای که این مقام و مسئولیت را به‌عهده داشتم‌ام، سیاستی میانه اعمال کنم که نه جانبدارانه باشد و نه بی‌طرفانه، سیاسی معتدل بین هواداری و بی‌طرفی» بدین معناست که آن مسئول سیاستی بین صدق و کذب، میان فضیلت و ذلیلت، میان خواب بودن و بیدار بودن اتخاذ کرده که مانند آن است که میان دو گروه که یکی می‌گوید ۲+۲=۴ و دیگری می‌گوید ۲+۲=۶، انتخاب کنیم که ۲+۲=۱۵!

مغالطه قمار بازان

این مغالطه آنگاه رخ می‌دهد که احتمال یک حادثه به‌طور مستقل با احتمال آن حادثه در سلسله حوادث خلط شود و از آن رو به قمار بازان نسبت داده شده است که این گروه معمولاً در مسئله وقوع شانس و اتفاق گمان می‌کنند که نتیجه یک‌بار امتحان کردن مسئله در نتیجه بعدی مؤثر است. آنها متلاً وقتی سکه‌ای پنج بار به رو می‌افتد، تصور دارند بار ششم حتماً به پشت خواهد افتاد در حالی‌که احتمال به رو یا پشت افتادن سکه در هر مرحله ۵۰ درصد است و نتیجه بار گذشته در بار جدید هیچ تأثیری ندارد. به‌عنوان مثال بسیار شنیده‌اید که برخی می‌گویند: «فلان شخص دارای سه فرزند است که هر سه دخترند، مسلماً فرزند بعدی او پسر خواهد شد.» در حالی‌که این مغالطه است و بچه ممکن است پسر یا دختر باشد.

از جمله موارد در کتاب این مغالطه آنجاست که شخصی برای اقناع مخاطبان و جلب همفکری آنها از استدلال قماربازان استفاده می‌کند، هر چند شواهد و تجربیات گذشته همه بر ضد آن شخص گواهی می‌دهد؛ «تجربیات و اتفاقی گمان می‌کنند که سازمان‌های مردم‌نهاد افرادی نالایقی از آب درآمندن، اما می‌توانید مطمئن باشید که این بار نامزد معرفی شده، فرد شایسته‌ای است.»

مغالطه البته، اما

مصدق وقوع این مغالطه در جایی است که کسی هنگام سخن گفتن خطایی را مرتکب شود و گمان کند اشاره و توجه به آن خطا برای میرا کردن او از آن خطا، کافی است. به‌عبارت دیگر، شخص از آن‌یکه نسبت به از کتاب آن خطا مورد اعتراض قرار

نگیرد به خطا بودن آن سخن اشاره کرده و گمان یا نامودی می‌کند که چون او این خطا را جاهلانه قرار گیرد. یعنی شخص گمان می‌کند صرفاً اشاره و توجه به یک خطا، توجیه‌گر آن خواهد بود؛ «جناب سروان من هم قبول دارم که چراغ قرمز را رد کردم، اما شما مرا جریمه نکند.»

بهترین راه جلوگیری از این مغالطه این است که به جای عبارت «اما…» قبل از بیان گوینده و یا در صورتی که می‌خواهیم غیبت او را پاسخ او یادآور شویم که اگر خطا بودن موردقبول است باید با آن به‌عنوان یک خطا برخورد کرد. خطاهای مورد نظر در این مغالطه معمولاً خطاهای اخلاقی در گفتار است که می‌توان آنها را گناهان زبانی نامید. به‌عنوان مثال: «شاید گویبی غیبت می‌شود. البته که نمی‌خواهم غیبت او را بکنم، اما آدم خیلی تنبلی است.» اما حالت کلی این مغالطه منحصر به موارد فوق نمی‌شود و همه مواردی را که در آن از ترکیب «البته… اما…» برای توجیه خطایی استفاده می‌شود، در بر می‌گیرد، حالا چه آن خطا مربوط به گفتار باشد یا رفتار و یا مربوط به‌خود گوینده یا مربوط به دیگران و ملاک آن همان است که ذکر شد.

مغالطه تر کبیب

از تکاپ این مغالطه در جایی است که وقتی اجزا یا افراد یک مجموعه دارای وصفی باشند، حکم شود که کل آن مجموعه نیز دارای آن وصف هستند؛ «این بهترین دستگاه است، زیرا تمام قطعات آن از بهترین نوع موجود است.»

بسیاری به‌سادگی متوجه این مغالطه نمی‌شوند و آن را استدلال درستی تصور می‌کنند اما همواره باید متوجه این نکته بود که اجزای یک مجموعه دارای اوصافی هستند که خود آن مجموعه ممکن است دارای آن اوصاف نباشد بلکه شرایط دیگری برای انصاف کل مجموعه به آن وصف لازم باشد. برخی مثال‌های این مغالطه بسیار ظریف است و تشخیص مغالطه بودن آن خیلی ساده نیست. به‌عنوان مثال: «مردم ایرلند، جوانمرد می‌شوند و زیاد عمر نمی‌کنند، بنابراین، فرهنگ تمدن این کشور نباید در تاریخ سابقه طولانی داشته باشد.» نمونه جدی این مغالطه در تئوری اقتصادی سرمایه‌داری است که عده‌ای می‌گویند: «اگر مردم را به حلال خودرها کنید هر صنفی‌ایم از کشاورزان، تولیدکنندگان صنعتی، تجار و بازرگانان، همه و همه به‌دنبال سود و منفعت خود خواهند بود و هر یک برای کسب حداکثر درآمد، به‌تنها خود را به‌سود خواهند رسانید.» با توضیحاتی که ارائه شد روشن است که الزاماً چنین نتیجه‌ای وجود ندارد و برای شکوفایی اقتصاد در کنار رعایت گروه‌های اقتصادی به عوامل بسیار زیاد دیگری نیز نیازمندیم و لو اینکه هر گروه اقتصادی به تنهایی کار خود را بسوار انجام دهد.

مغالطه دلیل نامربوط

در برخورد و ارزیابی یک استدلال بررسی رابطه میان ادله و مدعا یا رابطه میان مقدمات و نتیجه استدلال است. این مغالطه، سه حالت کلی دارد: حالت اول وقتی است که اصطلاحاً دلیل اخص از مدعاست؛ یعنی دلیلی یا ادله ارائه شده در استدلال نمی‌تواند مدعای مورد نظر را به‌طور کامل اثبات کند و تنها مؤید بخشی از آن است. به‌عنوان مثال: «در سال گذشته، تنها از طریق صادرات دانه‌های روغنی و خشکسکبار به کشورهای عربی و چند کشور اروپایی میلیون‌ها دلار عاید کشور شد، به‌نظر می‌رسد بهترین راه اصولی برای تنظیم اقتصاد کشور سرمایه‌گذاری جدی برای صادرات

محصولات کشاورزی است.» در استدلال فوق دلیل ارائه شده حداکثر نشان می‌دهد که احتمالاً صادرات دانه‌های روغنی و خشکسبار در سال‌های آینده نیز سودآور است، اما از این دلیل نمی‌توان نتیجه گرفت که صدور محصولات مذکور، چه رسد صادرات محصولات کشاورزی، بهترین و سودآورترین نوع صادرات است، درحالی‌که نتیجه استدلال فوق مدعایی کلی‌تر است و آن اینکه صدور محصولات کشاورزی بهترین راه اصولی برای تنظیم اقتصاد کشور است!

حالت دوم مغالطه دلیل نامربوط وقتی است که به‌اصطلاح «دلیل اعم از مدعاست»؛ یعنی چیزی که از دلیل یا ادله فهمیده می‌شود مطلبی کلی است که مدعای مورد نظر تنها بخشی از آن است. از تشکیل می‌دهد یا حالت خاصی از آن است. به‌عنوان مثال: «در موقعیت فعلی، صادرات هر چه بیشتر همه محصولات کشاورزی بهترین راه تنظیم اقتصاد کشور است، چرا که هم‌اکنون، اقتصاد ما وابسته به فروش نفت است و در واقع، اقتصاد تک‌محصولی و ناپایداری داریم.» گوینده می‌تواند از دلیل خود نتیجه بگیرد که ما باید تلاش کنیم تا از اتکای اقتصاد کشور بر فروش نفت بکاهیم، اما برای این کار راه‌های متعددی پیش‌رو داریم که البته سرمایه‌گذاری برای صادرات غیرنفتی راه‌حسل مهمی است، اما استخراج «صادرات هر چه بیشتر همه محصولات کشاورزی» از دلیل عام و کلی مذکور، نادرست است.

این حالت از مغالطه دلیل نامربوط معمولاً در طرح‌ها و برنامه‌های عملی رخ می‌دهد، به این جهت که وقتی دلیلی یا ادله ارائه شده تنها اساس یک طرح یا برنامه را اثبات می‌کند، اگر شخصی بخواهد انجام آن طرح و برنامه همراه با قیود خاص را نتیجه بگیرد مرتکب این مغالطه خواهد شد؛ «با توجه به توصیه اسلام مبنی بر ولیمه دادن در عروسی و استطاعت مالی خانواده داماد، در شب مراسم باید پنج نوع غذا، پنج نوع نوشیدنی و پنج نوع سالاد و دسر سفارش داد.»
خواص سوم مغالطه دلیل نامربوط در جایی است که دلیل یا ادله ارائه شده با نتیجه و مدعای مورد نظر بیگانه و بی‌ربط باشد؛ «برای جلوگیری از تخلفات رانندگی، این طرح، پیشنهاد عملی و خوبی است؛ زیرا می‌دانیم که تخلفات رانندگی، اولاً، باعث تصادفات و انواع خسارت‌های جانی و مالی می‌شود، ثانیاً، پیامدها، مشکلات بعدی ناشی از تخلفات رانندگی، چه برای شخص متخلف و چه برای نهادها و سازمان‌های مربوط، بسیار طاقت‌فرسا و پرهزینه است، ثالثاً،…» بسیار خوب! پدیرتقیم که تخلفات رانندگی پدیده اجتماعی نامطلوبی است، اما چرا این طرح یک پیشنهاد خوب و عملی است؟

عواملی که در حالت اخیر مغالطه دلیل نامربوط موجب فریب مخاطب می‌شود و به شخص مغالطه‌کننده اجازه می‌دهد که از مقدمات و ادله ارائه شده نتیجه دیگری بگیرد یا برای مدعای خود، و دلایل نامربوط ارائه کند، چند چیز است که از جمله آن طولانی‌شدن استدلال است، به این ترتیب که مراحل مفصل یک بحث ممکن است موجب بی‌دقتی شده و امور نامربوط را از روی غفلت وارد بحث کند. از سوی دیگر، صحت دلایل ارائه شده عملی است که توجه مخاطب را به‌خود جلب می‌کند و ارتباط مجموعه ادله با مدعای مورد نظر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از این‌رو، در حالت اخیر مغالطه دلیل نامربوط معمولاً ابتدا به مدعای مورد نظر که نتیجه استدلال است اشاره می‌شود و سپس دلایلی ذکر می‌شود که در عین درستی، ربطی به آن مدعا ندارد و نمی‌تواند آن را اثبات کند.

کتاب منطق

کتابی برای رهایی از دام مغالطات و تمرین مبارزه با آنها

برخی، به‌عمد یا غیر عمدی، به‌گونه‌ای استدلال می‌آورند که در ظاهر صحیح است اما معنا و محتوایی بسیار خطاآلود و مغالطه‌آمیز دارد.

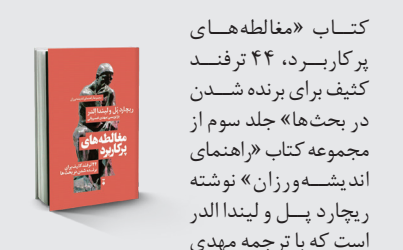
پیامد ناگوار این‌س خطاها و مغلطه‌ها کم نیست. لذا شناخت آنها از چند جنبه برای هر انسانی ضروری است:
۱) شناختن مغالطه پرهیز کند.

۲) آگاهی باید تا دیگران او را از این راه فریب ندهند.
۳) گرفتاران مغالطه را نجات دهد.
کتاب «مغالطات» اثر درخشان دکتر علی‌اصغر خندان با قلمی روان و دسته‌بندی جالب، انواع مغالطات را به‌گونه‌ای بیان کرده که از دانش‌آموزان دبیرستانی تا سطح بالاتر، به روشنی آن را می‌فهمند و برای آنها کاربرد دارد. این اثر از سوی نشر «بوستان کتاب» و در ۷ فصل منتشر و تاکنون بیش از هفده بار تجدید چاپ شده است. در فصل اول با عنوان «تبیین‌های مغالطی» نویسنده انواع مغالطه‌ها را تعریف کرده و تمرین‌هایی برای شناخت آنها آورده است. فصل دوم به ادعاهای بدون استدلال، فصل سوم به مغالطات مقام نقد و فصل چهارم به مغالطات مقسام دفاع اختصاص دارد. فصل‌های پنجم، ششم و هفتم نیز به مغالطات در استدلال تحت عناوین «مغالطه صوری»، «مغالطات ناشی از یک پیش‌فرض نادرست» و «مغالطات ربطی» اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه کتاب نیز به شکلی ميسوبط به تعریف مغالطه و طبقه‌بندی آن و تاریخچه آموزش و مبارزه با مغالطه از زمان سقسطایان یا سوفیست‌ها و سپس کارهای ارسطو پرداخته است.
انطور که نویسنده خود در مقدمه آورده است کتاب حاضر عمدتاً اقتباسی از کتاب «The Book Of The Fallacy» اثر مادن پیری است.

کتاب اندیشه

۴۴ تر فند کثیف

برای برنده شدن در بحث‌ها!



کتاب «مغالطه‌های پرکاربرد، ۴۴ تر فند کثیف برای برنده شدن در بحث‌ها» جلد سوم از مجموعه کتاب «راهنمای اندیشه‌ورزان» نوشته ریچارد پسل و لیندا الدر است که با ترجمه مهدی خسروانی از سوی نشر «نو» منتشر شده و مفهوم مغالطه و مغالطه‌گری در بحث را به‌صورت کاربردی توضیح داده است. نویسدگان کتاب در کنار آنکه مغالطه‌های پر کاربرد را در دنیای سیاست، تبلیغات، رسانه و… معرفی کرده‌اند به مفهوم مغالطه و تمایزهای آن با سایر خطاها منطقی پرداخته و تمرین‌هایی برای تشخیص مغالطه ارائه داده‌اند. براساس آنچه نویسدگان درخصوص شیوه آموزشی کتاب در مقدمه شرح داده‌اند، دست‌کم ۲ شیوه برای مطالعه مغالطه‌ها وجود دارد. یکی شیوه سنتی است. در شیوه سنتی، نشان می‌دهند که از چه راه‌هایی می‌توان استدلال‌های ناصحیح را صحیح جلوه داد؛ این راه‌ها را تعریف می‌کنند، درباره آنها توضیح می‌دهند و نمونه‌هایی از آنها را ذکر می‌کنند. شیوه دیگری نیز وجود دارد که عمیق‌تر است، در این شیوه، از کتاب مغالطه به تلاش انسان برای تحقق منافع و اقبال نامعتولش ربط داده می‌شود.

اندیشه زندگی

۹۹ راهکار برای انتخاب‌های بهتر



کتاب «هنر شفاف اندیشیدن» نوشته رولف دوبلی با ترجمه عادل فردوسی‌پور، علی‌شهرز سوده و یهزاد توکلی‌نیشابوری منتشر شده است. نویسنده در این کتاب تلاش کرده براساس تجربیات و مطالعات شخصی خطاهای شناختی مختلفی را که در زندگی ما وجود دارند اما آنها را نمی‌بینیم، شناسایی و با ذکر مثال‌هایی از دل زندگی روزمره آنها را معرفی کند. دویلی توانسته است ۹۹ خطای رایج را شناسایی کند و راهکارهایی برای «کسانی که می‌خواهند انتخاب‌های بهتری داشته باشند» ارائه دهد.

به‌گفته نویسنده، ناتوانی در شفاف‌اندیشی، یا به قول متخصصان «خطای شناختی»، یک انحراف اصولی در منطق است؛ انحراف از افکار و رفتار بهینه، عقلانی و مستدل. البته دویلی خود اشاره داشته است که منظور از خطاهای گناه‌به‌گاه در تصمیم‌گیری نیست بلکه منظور اشتباه‌های متداول و موانعی بر سر راه منطق ماست که دائماً ما را گرفتار می‌کنند؛ الگوهایی که نسل‌های گوناگون در قرون مختلف تکرار می‌کنند.

کتاب «هنر شفاف اندیشیدن» به زبان‌های مختلف ترجمه شده و با استقبال بسیاری از سوی مخاطبان در سراسر جهان همراه بوده است. این کتاب در ایران از سوی نشر چشمه منتشر و نسخه صوتی آن نیز با صدای عادل فردوسی‌پور به همت «راد یو گوشه» تولید شده است که علاوه بر کتاب‌فروشی‌های سراسر کشور در نرم‌افزارهای کتابخوان طاچه و ویدیوو موجود است.

چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۱

شماره ۴۸۰